

محمد محسن طبسی

کرامات امام رضا علیه السلام
به روایت اهل سنت

بسم الله الرحمن الرحیم

کرامات امام رضا علیه السلام به روایت اهل سنت

نویسنده:

محمد محسن طبسی

ناشر چاپی:

انتشارات اسوه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کرامات امام رضا علیه السلام به روایت اهل سنت

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران عنوان و نام پدیدآور: فضایل و کرامات امام رضا (ع) به روایت اهل سنت / طبسی، محمد محسن، ۱۳۶۰. منشا مقاله: اسوه، انتشارات، ش ۱۴۵، دی ۱۳۸۸: ص ۸ - ۱۲ توصیفگر: علی‌بن موسی (ع ، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. توصیفگر: فضایل اخلاقی [۱] توصیفگر: کرامت توصیفگر: سیره امامان توصیفگر: احادیث اهل سنت توصیفگر: تاریخ تشیع

مقدمه

دوران پر برکت و همراه با کرامات و وقیعی که قبل و بعد از ولادت امام رضا (علیه السلام) از مدینه تا مرو و مدت امامت ایشان رخ داد، جملگی دلالت بر عظمت بی‌کران امام رضا (علیه السلام) دارد. رویت آن از زبان بزرگان اهل سنّت جالب و شنیدنی و البته شگفت‌انگیز است. آنچه پیش روی دارید، گوشه‌ی از سخنان بزرگان اهل سنت درباره امام رضا است که در منابع معتبر آنها نقل شده و تأثیر به سزایی در نزدیک کردن دیدگاه اهل سنت به دیدگاه شیعه درباره کرامت، شفاعت، توسل و زیارت قبور و ... دارد. بزرگان اهل سنت با اعتراف به جایگاه والی امام رضا (علیه السلام)، سخنان و اعتراف‌های شگفتی درباره ابعاد معنوی آن حضرت داشته‌اند که آنها را نقل می‌کنیم. ۱. مجد الدین ابن اثیر جَزَری (۶۰۶ق): «ابوالحسن علی بن موسی ... معروف به رضا، ... مقام و منزلت ایشان همانند پدرشان موسی بن جعفر است. امامت شیعه در زمان علی بن موسی به ایشان منتهای می‌شد، فضایل وی قابل شمارش نیست. خداوند رحمت خود و رضوان خود را بر ایشان بفرستد». [۱]. ۲. محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲ق): «سخن در امیرالمؤمنین علی و زین العابدین علی گذشت و ایشان علی الرضا سومین آنهاست. کسی که در شخصیت ایشان تأمل کند، در می‌یابد که علی بن موسی وارث امیرالمؤمنین علی و زین العابدین علی است، و حکم می‌کند که ایشان سومین علی است. ایمان و جایگاه و منزلت ایشان فراوانی اصحاب ایشان، باعث شد تا مأمون وی را در امور حکومت شریک کند و ولایت عهدی را به ایشان بسپارد». [... ۲]. ۳. عبدالله بن اسعد یافعی شافعی (۷۶۸ق): «وی امام جلیل و بزرگوار از سلاله بزرگان و اهل کرم ابوالحسن علی بن موسی الکاظم است. وی یکی از دوازده امام شیعیان است که اساس مذهب بر نظریات ایشان است. وی صاحب مناقب و فضایل است». [۳]. ۴. ابن صبّاغ مالکی (۸۵۵ق) به نقل از بعضی از اهل علم: «علی بن موسی الرضا دارای والاترین و وافر ترین فضایل و کرامات و برخوردار از برترین اخلاق و صورت و سیرت است که از پدرانش به ارث برده است». [... ۴]. ۵. عبدالله بن محمد عامر شبراوی شافعی (۱۱۷۲ق): «هشتمین امام علی بن موسی الرضا است که مناقب والا و صفات اولیا و کرامت نبوی وی قابل شمارش و توصیف نیست». [... ۵]. ۶. یوسف بن اسماعیل نبهانی (۱۳۵۰ق): «علی بن موسی از بزرگان ائمه و چراغان امت از اهل بیت نبوی و معدن علم و عرفان و کرم و جوانمردی بود. وی جایگاه والایی دارد و نام وی شهره است و کرامات زیادی دارد». [... ۶]. ۷. شیخ یاسین بن ابراهیم سنهوتی شافعی: «امام علی بن موسی الرضا (رضی الله عنه) از بزرگان و از بهترین سلاله است و خداوند با خلق چنین فردی قدرت خود را به نمایش گذاشته. هیچ فردی علی بن موسی را نمی‌تواند درک کند. وی والا مقام و در فضایل شهره است و کرامات بسیاری دارد». [... ۷]. ۸. ابو الفوز محمد بن امین بغدادی سُوِیدی: «ایشان در مدینه به دنیا آمد و کرامات ایشان بسیار و مناقبش مشهور است؛ به گونه‌ی که قلم از وصف تمامی آن عاجز است». [... ۸]. ۹. عباس بن علی بن نور الدین مکّی: «فضایل علی بن موسی هیچ حد و حصری نداشته». [... ۹].

بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حمیده

امام رضا به برکت سفارش پیغمبر و عنایت ایشان به دنیا آمدند. در نقل‌های اهل سنت چنین آمده: زمانی که حمیده مادر امام کاظم، کنیزی به نام نجمه را از بازار خریداری کرد، پیامبر را در خواب دید که به ایشان فرمود: «این کنیز را به فرزندت (امام کاظم) هدیه کن؛ همانا از این کنیز، فرزندی به دنیا خواهد آمد که بهترین اهل زمین است». حمیده نیز چنین کرد و امام، نام نجمه را به طاهره تغییر داد. [۱۰].

معجزه‌ی در دوران حمل

مادر بزرگوار ایشان می‌فرماید: هنگام حاملگی، سنگینی حمل را احساس نکردم و هنگام خواب، صدای تسبیح و تهلیل و تقدیس وی را می‌شنیدم. [۱۱].

مناجات امام علیه السلام در دوران طفولیت

مادر بزرگوار امام در ادامه می‌فرماید: زمانی که ایشان به دنیا آمد، در حالی که دستانش را روی زمین گذاشته و سر مبارکشان را به طرف آسمان بلند کرده بود، لبانش تکان می‌خورد، گویا مناجات خدا می‌کرد. در این حال پدر بزرگوارش آمد و به من گفت: «هَنِیئاً لَکَ کَرَامَـهُ ربِّکِ عزّ و جل؛ مبارک باد بر تو کرامت خداوند». در این حال فرزند را به ایشان داد و ایشان در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه خواند و با آب فرات کام دهانش را برداشت. [۱۲].

هارون بر من چیره نمی‌شود

صفوان بن یحیی می‌گوید: بعد از شهادت امام کاظم و امامت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) از توطئه دوباره هارون علیه امام رضا (علیه السلام) می‌ترسیدیم. موضوع را به امام گفتیم. امام فرمود: هارون تلاش خود را انجام می‌دهد، ولی کاری از پیش نمی‌برد. صفوان می‌گوید: یکی از معتمدین برایم نقل کرد: یحیی بن خالد برمکی به هارون الرشید گفت: علی بن موسی ادعای امامت می‌کند (و با این سخن قصد تحریک هارون را داشت). هارون در جواب گفت: آنچه با پدرش انجام دادیم، بس است. آیا می‌خواهیم همه آنها را بکشیم؟! [۱۳].

محل دفن من و هارون یکی است

موسی بن عمران می‌گوید: روزی علی بن موسی الرضا را در مسجد مدینه، در حالی دیدم که هارون مشغول سخنرانی بوده امام به من فرمود: روزی را خواهی دید که من و هارون در یک جا به خاک سپرده می‌شویم. [۱۴]. امام در مکه نیز به این مهم اشاره می‌کند. حمزه بن جعفر ارجانی می‌گوید: هارون الرشید از یک درب و علی بن موسی الرضا از در دیگر مسجد الحرام خارج شدند. در این هنگام امام رضا (علیه السلام) به هارون اشاره کرد و فرمود: الآن از هم دور هستیم، ولی ملاقات مان نزدیک است. ای طوس! همانا من و او را یک جا جمع می‌کنی. [۱۵].

مأمون، امین را می‌کشد

حسین بن یاسر می‌گوید: روزی علی بن موسی الرضا به من فرمود: همانا عبدالله (مأمون) برادرش محمد (امین) را خواهد کشت. از امام پرسیدم: یعنی عبدالله بن هارون، محمد بن هارون را خواهد کشت؟ امام فرمودند: بله، عبدالله مأمون، محمد امین را خواهد

کشت. طبق پیشگویی امام این اتفاق افتاد. [۱۶].

همسرت دو قلو میزاید

بکر بن صالح می‌گوید: نزد امام رضا (علیه السلام) رفتم و به وی گفتم: همسرم که خواهر محمد بن سنان از خواص و شیعیان شماست حامله است و از شما می‌خواهم دعا کنید تا خداوند فرزند پسری به من دهد. امام فرمود: دو فرزند در راه است. از نزد امام رفتم و پیش خود گفتم: اسم یکی را محمد و دیگری را علی می‌گذارم. در این هنگام امام مرا فراخواند و بدون اینکه از من چیزی بپرسد، به من فرمود: اسم یکی را علی و دیگری را امّ عمرو بگذار. وقتی که به کوفه رسیدم، همسرم یک پسر و یک دختر به دنیا آورده بود و اسم آنها را همان گونه که امام فرموده بود، گذاشتم. به مادرم گفتم: معنی امّ عمرو چیست؟ پاسخ داد: مادر بزرگت امّ عمرو نام داشت. [۱۷].

جعفر به زودی ثروتمند می‌شود

حسین بن موسی می‌گوید: عده‌ی از جوانان بنی هاشم بودیم که نزد امام رضا نشسته بودیم که جعفر بن عمر علوی با شکل و قیافه فقیرانه بر ما گذشت. بعضی از ما با نگاه مسخره آمیزی به حالت وی نگریستیم. امام رضا (علیه السلام) فرمود: به زودی می‌بینید زندگی وی تغییر کرده، اموالش زیاد، خادمانش بسیار و ظاهرش آراسته شده است. حسین بن موسی می‌گوید: پس از گذشت یک ماه، والی مدینه عوض شد و او نزد این والی مقام و منزلت خاصی پیدا کرد و زندگی‌اش همان گونه که امام فرموده بود، تغییر کرد و بعد از آن جعفر بن عمر علوی را احترام و برای وی دعا می‌کردیم. [۱۸].

خود را برای مرگ آماده کن

حاکم نیشابوری به سند خودش از سعید بن سعد نقل می‌کند که روزی امام رضا (علیه السلام) به مردی نگاهی کرد و به او فرمود: «یَا عَبْدَ اللَّهِ أَوْصِ بِمَا تُرِیدُ وَ اسْتَعِدَّ لِمَا لَا بُدَّ مِنْهُ فَمَاتَ الرَّجُلُ بَعْدَ ذَلِکَ بِثَلَاثَةِ أَیَّام [۱۹]؛ ای بنده خدا! وصیت خود را بکن و خود را برای چیزی که گریزی از آن نیست (مرگ)، آماده کن». راوی می‌گوید: آن مرد پس از سه روز از دنیا رفت.

خواب ابو حبیب

حاکم نیشابوری به سند خود از ابو حبیب نقل می‌کند: روزی رسول الله را در خواب در منزلی که حجاج در آن اتراق می‌کنند دیدم، به ایشان سلام کردم. نزد ایشان ظرفی از خرمای مدینه که خرمای صیحانی نام داشت بود. ایشان به من هیجده خرما دادند و من خوردم. پس از پایدار شدن مزه خرما در دهانم بود و آرزو می‌کردم دوباره از آن بخورم. پس از بیست روز ابوالحسن علی بن موسی الرضا از مدینه به مکه آمد و در آن مکان نزول کرد و مردم برای دیدار وی شتافتند. من نیز به آنجا رفتم و دیدم ایشان در همان جایی که پیامبر را در خواب دیدم، نشسته است: در حالی که ظرفی پر از خرماهای مدینه و خرمای صیحانی نزد او بود. به امام سلام کردم و ایشان مرا نزد خود فراخواند و مشتی از خرما به همان مقداری که پیامبر در خواب به من عطا فرموده بود، به من داد. به ایشان عرض کردم: زیادتر خرما بدهید. امام فرمود: اگر رسول الله زیادتر می‌داد، من هم به تو زیادتر می‌دادم. [۲۰].

سقوط دولت برمکیان

مسافر می‌گوید: در سرزمین منی نزد امام نشسته بودیم. ناگهان یحیی بن خالد برمکی، در حالی که صورتش پوشیده و گرد و غبار بر آن نشسته بود، وارد مجلس شد. امام خطاب به ما فرمود: اینها بیچارگانی هستند که نمی‌دانند در این سال چه اتفاقی برای آنها رخ خواهد داد. مسافر می‌گوید: در همان سال برمکیان سقوط کردند و پیشگویی امام محقق شد. مسافر در ادامه می‌گوید: امام فرمودند: و از ین عجیب‌تر من و هارون هستیم که شبیه این دو انگشت هستیم (و امام انگشت سبابه و انگشت وسط را کنار هم گذاشتند). مسافر گفت: معنی سخن امام در مورد هارون را نفهمیدم؛ تا اینکه امام رضا (علیه السلام) رحلت کرد و کنار هارون به خاک سپرده شد. [۲۱].

ولایتعهدی من پایدار نیست

مدینی می‌گوید: هنگامی که امام رضا (علیه السلام) در مجلس بیعت ولایتعهدی با لباس مخصوص نشسته بودند و سخنرانان صحبت می‌کردند، نگه‌ای به بعضی از اصحاب خود کردند و دیدند یکی از اصحابشان از این جریان (ولایتعهدی امام) بسیار خرسند و خوشحال است. امام به وی اشاره کرد و او را نزد خود طلبید و در گوشی فرمودند: قلب خود را به این ولایتعهدی مشغول نکن و به آن دل نبند و خوشحالی نکن؛ چرا که این امر باقی نمی‌ماند. [۲۲].

توطئه گران رسوا می‌شوند

زمانی که مأمون، امام رضا (علیه السلام) را ولیعهد و خلیفه بعد از خود قرار داد، اطرافیان مأمون از کار خلیفه ناراضی بودند و می‌ترسیدند که خلافت از بنی عباس خارج شود و به بنی فاطمه بازگردد. لذا کینه و نفرت از امام رضا داشتند و منتظر فرصت برای ابراز این نفرت و کینه بودند؛ تا اینکه قرار گذاشتند امام رضا هرگاه وارد بر خلیفه می‌شود و خادمان پرده را کنار می‌زنند تا آن حضرت وارد شود، احدی به امام سلام نکند و به ایشان احترام نگذارند و پرده را برندارند. بعد از این تصمیم، امام رضا طبق عادت روزانه وارد دالان شدند، اما آنان برخلاف تصمیم خود، ناخودآگاه پرده را کنار زدند تا امام عبور کند. آنها همدیگر را ملامت کردند که چرا پرده را کنار زده‌اند. قرار شد که روز بعد چنین نکنند. روز بعد امام رضا وارد شد و بر وی سلام کردند؛ اما پرده را برنداشتند. در این هنگام باد شدیدی وزید و پرده را از حد معمول خود نیز بالاتر زد و امام وارد شد و هنگام خروج نیز همین اتفاق افتاد. آنان دانستند که امام نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد و سپس قرار گذاشتند که به آن حضرت خدمت کنند. [۲۳].

رام شدن درندگان در برابر امام علیه السلام

قضیه زینب کذاب مورد اتفاق ناقلان شیعه و سنی است و گوشه‌ای از عظمت و مقام والای امامت و ولایت تکوینی را به نمایش می‌گذارد. در نقل این جریان اختلافاتی وجود دارد که به اصل آن لطمه وارد نمی‌کند. اختلاف در این است که یا این جریان در دوران امام رضا (علیه السلام) رخ داده یا امام هادی؟ در خراسان زنی به نام زینب ادعا می‌کرد که علوی و از نسل فاطمه زهرا است. این خبر به امام رضا (علیه السلام) رسید. امام آن زن را احضار کرد و علوی بودن وی را تایید نفرمود. آن زن امام را مسخره کرد و با کمال بی‌ادبی به امام گفت: تو نسب مرا زیر سؤال بردی، من نیز نسب تو را زیر سؤال می‌برم. در آن دوران سلطان مکانی داشت که در آن درندگان بودند. آن مکان برای انتقام گرفتن از مفسدان و مجرمان بود. امام رضا (علیه السلام) آن زن را نزد سلطان حاضر کرد و فرمود: این زن دروغگوست و بر علی و فاطمه دروغ می‌بندد و از نسل این دو نیست. اگر این زن راست گفته و پاره تن فاطمه و علی باشد، بدنش بر درندگان حرام است. پس او را در میان درندگان بیندازید. اگر راستگو باشد، درندگان به وی نزدیک نمی‌شوند و اگر دروغگو باشد، وی را می‌درند. وقتی که زینب کذاب این سخن را شنید، پیش دستی کرد و به امام گفت:

اگر راست می گویی، خود تو داخل این گودال شو. امام نیز بی‌هیچ سخنی وارد گودال شد. مردم و سلطان از بالا ـ نظاره گر این جریان بودند. زمانی که امام وارد گودال شد، گویا درندگان رام شدند و یک یک نزد امام آمدند و دم‌های خودشان را به نشانه تسلیم در برابر امام به زمین گذاشتند و دست و پا و صورت امام را بوسیدند. امام از آنجا بیرون آمد و سلطان دستور داد تا زن را داخل گودال بیندازند. زن امتناع کرد. سلطان دستور داد تا وی را داخل گودال بیندازند و طعمه درندگان شود. بعدها این زن در خراسان به زینب کذاب مشهور شد. [۲۴]. مسعودی معتقد است: این قضیه برای امام هادی اتفاق افتاده است. [۲۵] با این حال این واقعه به تعبیر اهل سنت، خبر مشهور نزد شیعه است. [۲۶] بزرگان اهل سنت از جمله ابن حجر هیثمی این قضیه را از بعضی حفاظ اهل سنت نقل کرده [۲۷] و ابو علی عمر بن یحیی علوی نیز این جریان را قطعی دانسته و نقل آن از طریق اهل سنت را تایید کرده است. [۲۸]. البته با توجه به بعضی قرائن ممکن است گفته شود این جریان دو مرتبه (هم در زمان امام رضا (علیه السلام) و هم در زمان امام هادی) اتفاق افتاده است.

پیشگویی چگونگی شهادت

زمانی که مأمون به سبب بیماری نتوانست نماز عید را بخواند، از امام رضا (علیه السلام) درخواست کرد تا نماز را اقامه کند. امام در حالی که پیراهن کوتاه سفید و عمامه سفید پوشیده و در دستش عصا بود، روانه نماز شد و در میان راه با صدای بلند می‌فرمود: «السَّلَامُ عَلَى أَبَوَیَّ آدَمَ وَ نُوحٍ السَّلَامُ عَلَى أَبَوَیَّ إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ السَّلَامُ عَلَى أَبَوَیَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ ». مردم به طرف امام هجوم می‌آوردند و دست ایشان را می‌بوسیدند و از ایشان تجلیل می کردند. در این هنگام به خلیفه خبر رسید که اگر این وضعیت ادامه یابد، خلافت از دست تو خارج می‌شود. مأمون خود را به سرعت به امام رسانید و نگذاشت امام نماز را بخواند. آن گاه امام مطالبی مهم به هرثمهٔ بن اعین که از خادمان مأمون، اما محب اهل بیت و در خدمت امام رضا (علیه السلام) بود فرمود. هرثمه می گوید: روزی سرورم ابوالحسن رضا مرا طلبید و فرمود: ای هرثمه! می‌خواهم تو را از مطلبی آگاه سازم که باید نزد تو پنهان بماند و تا زمانی که زنده هستم، آن را برای کسی فاش نکنی، اگر فاش کنی، من دشمن تو پیش خدا خواهم بود. هرثمه گفت: قسم خوردم که تا او زنده است، سخنی نگویم. امام فرمود: ای هرثمه! سفر آخرت و ملحق شدنم به جدم و پدرانم نزدیک شده. همانا من بر اثر خوردن انگور و انار مسموم از دنیا خواهم رفت. خلیفه می‌خواهد قبر مرا پشت قبر پدرش هارون الرشید قرار دهد، اما خداوند نمی گذارد و زمین اجازه چنین کاری را نمی‌دهد و هر چه بکوشند تا زمین را حفر کنند (و مرا پشت قبر هارون دفن کنند)، نمی‌توانند و این مطلب را بعد خواهید دید. ای هرثمه! همانا محل دفن من در فلان جهت است. پس بعد از وفات و تشییع من برای دفن، مأمون را از این مسائلی که گفتم، آگاه کن تا مرا بیشتر بشناسد و به مأمون بگو که هر گاه مرا در تابوت گذاشتند و آماده نماز کردند، کسی بر من نماز نخواند؛ تا این‌که عرب ناشناسی به سرعت از صحرا به طرف جنازه من دوید و در حالی که گرد و غبار سفر بر چهره دارد و مرکبش ناله می‌زند، بر جنازه من نماز می‌خواند. شما نیز با او به نماز بایستید و پس از نماز مرا در مکانی که مشخص کرده‌ام، دفن کنید. ای هرثمه! وای بر تو که این مطالب را قبل از وفاتم به کسی بگویی. هرثمه می گوید: مدتی نگذشت که تمامی این جریانات اتفاق افتاد و (امام) رضا نزد خلیفه انگور و انار مسموم خورد و از دنیا رفت. هرثمه می گوید: طبق فرمایش امام رضا (که فرمود بعد از وفات و تجهیز جنازه‌ام این مطالب را به مأمون بگو) بر مأمون وارد شده، دیدم که وی در فراق امام رضا (علیه السلام) دستمال در دست دارد و گریه می کند. به وی گفتم: ای خلیفه! اجازه می‌دهید مطلبی را بگویم؟ مأمون اجازه سخن گفتن داد. گفتم (امام) رضا سرّی را در دوران حیاتش به من فرمود و از من عهد گرفت که آن را تا هنگامی که زنده است، برای کسی بازگو نکنم. آن گاه قضیه را برای مأمون تعریف کردم. وقتی که مأمون از این قضیه خبردار شد، شگفت زده شد و سپس دستور داد جنازه امام تجهیز و آماده شود و همراه وی آماده خواندن نماز برایشان شدیم. در این هنگام فردی ناشناس با

همان مشخصاتی که امام گفته بود، از طرف صحرا به سمت جنازه مطهر آمد و با هیچ کس صحبتی نکرد و بر امام نماز خواند و مردم نیز با وی نماز خواندند. خلیفه دستور داد که وی را شناسایی کنند و نزد وی بیاورند، اما اثری از وی و شتر او نبود. سپس خلیفه دستور داد پشت قبر هارون الرشید قبری حفر کنند. هرثمه به خلیفه گفت: آیا شما را به سخنان علی بن موسی الرضا آگاه نساختم؟ مأمون گفت: می‌خواهم ببینم سخن وی راست است یا خیر. در این هنگام نتوانستند قبر را حفر کنند و گویا زمین از صخره سخت‌تر شده بود؛ به گونه‌ی که تعجب حاضران را برانگیخت. مأمون به صدق سخن علی بن موسی الرضا پی برد و به من گفت مکانی را که علی بن موسی الرضا از آن خبر داده، به من نشان بده. محل را به وی نشان دادم و همین که خاک را کنار زدیم، قبرهای طبقه بندی شده و آماده را دیدیم، با همان مشخصاتی که علی بن موسی الرضا فرموده بود. زمانی که مأمون این وضعیت را دید، بسیار شگفت زده شد. ناگهان آب به اعماق زمین فرو رفت و آن مکان خشکید. سپس امام را داخل قبر گذاشتیم و خاک روی آن ریختیم. بعد از این جریان خلیفه همیشه از چیزی که دیده و از من شنیده بود، با شگفتی یاد می‌کرد و تأسف و حسرت می‌خورد و هر گاه با وی خلوت می‌کردم، از من تقاضا می‌کرد تا قضیه را تعریف کنم و با تأسف می‌گفت: (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ . [۲۹].

مشهد الرضا علیه السلام در کلام اهل سنت

ذهبی در مواضع متعدد از تألیفات خود درباره‌ی مشهد الرضا چنین اظهار نظر می‌کند: «و لعلی بن موسی مشهدٌ بطوس یقصدونه بالزیاره» [۳۰]، «و له مشهدٌ کبیر بطوس یزار» [۳۱]، «و مشهد مقصودٌ بالزیاره» [۳۲]. ابن عماد حنبلی دمشقی نیز می‌گوید: «و له مشهدٌ کبیر بطوس یزار». [۳۳]. برخورد بزرگان اهل سنت با مزار امام رضا (علیه السلام) نیز جالب و شگفت‌انگیز است؛ مانند بسیار زیارت کردن قبر امام رضا از سوی ابن حبان بستی (۳۵۴ق) و ابو علی ثقفی (۳۲۸ق) و تواضع و تضرعات بسیار ابوبکر بن خُزیمه (۳۱۱ق) که موجب شگفتی شاگردان وی شده بود. ۱. ابوبکر بن خزیمه (۳۱۱ق) و ابو علی ثقفی (۳۲۸ق): حاکم نیشابوری می‌گوید: «سَمِعتُ محمد بن المؤمل بن حسین بن عیسی یقول خرجنا مع امام اهل الحدیث ابی بکر بن خزیمه و عدیله ابو علی الثقفی مع جماعهٔ من مشیخنا و هم اذ ذلک متوافرون الی زیارهٔ قبر علی بن موسی الرضا بطوس، قال: فریت من تعظیمه (ابن خُزَیمه) لتلک البقعه و تواضعه لها و تضرعه عندها ماتحیرنا؛ [۳۴] حاکم می‌گوید: از محمد بن مؤمل شنیدم: روزی با پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و ابو علی ثقفی و دیگر مشایخ خود به زیارت قبر علی بن موسی الرضا به طوس رفتیم؛ در حالی که آنها بسیار به زیارت قبر ایشان می‌رفتند. محمد بن مومل می‌گوید: احترام و بزرگداشت و تواضع و گریه و زاری ابن خزیمه نزد قبر علی بن موسی همگی را شگفت زده کرده بود. ابن خزیمه نزد اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که از وی «شیخ الاسلام، امام الائمه، حافظ، حجه، فقیه، بی‌نظیر، زنده کننده سنت رسول الله»، تعبیر کرده‌اند و او در علم حدیث و فقه و اتقان ضرب المثل است. [۳۵]. در مورد ابو علی ثقفی نیز که از نوادگان حجاج بن یوسف است تعابیری چون: «امام، محدث، فقیه، علامه، شیخ خراسان، مدرس فقه شافعی در خراسان، امام در اکثر علوم شرعی، حجت خدا بر خلق در دوران خودش» [۳۶] به کار رفته که نشان دهنده اهمیت و جایگاه این شخصیت نزد عامه است. ۲. ابن حبّان بُستی (۳۵۴ق): «علی بن موسی الرضا از بزرگان و عقلا و نخبگان و بزرگواران اهل بیت و بنی هاشم است. اگر از وی روایتی شود، واجب است حدیثش معتبر شناخته شود ... من به دفعات قبر ایشان را زیارت کرده‌ام. زمانی که در طوس بودم، هر مشکلی برایم رخ می‌داد، قبر علی بن موسی الرضا را که درود خدا بر جدش و خودش باد زیارت می‌کردم و برای برطرف شدن مشکلم دعا می‌کردم و دعایم مستجاب و مشکلم حل می‌شد. این کار را به دفعات تجربه کردم و جواب گرفتم. خداوند ما را بر محبت مصطفی و اهل بیتش که درود خدا بر او و اهل بیتش باد بمیراند». [۳۷]. ابن حبان بستی نیز از اهل سنت جایگاه والایی دارد؛ به گونه‌ای که از وی به «امام، علامه، حافظ، شیخ خراسان، یکی از استوانه‌های علم در فقه و

لغت و حـدیث، و از عقلی رجال» تعبیر کردهانـد. [۳۸]. این جملات حـاکی از نفوذ معنوی امام رضا (علیه السـلام) بر قلوب است و پس از گـذشت سالیان از شـهادت ایشان، قبر و بارگاه ملکوتی ایشان مورد توجه خاص و عام است و کسانی چون ابن خزیمه و ابن حبـان علاوه بر زیارت قبر امام رضا (علیه السـلام) به ایشان متوسل می‌شدنـد و برای رفع مشـکلات مادی و معنوی خود به این مکان مقدس پناه می‌بردند.

سخن پایانی

از مطالب یاد شـده به دست می‌آید که نه تنها ساخت بنا بر قبور و زیارت و توسل، امری جایز و کاملاً مرسوم بوده، بلکه مورد تایید قولی و عملی بزرگـان اهل سـنت از جمله ابن خزیمه و ابن حبان بستی و ... بوده و مکرر این اعمال از آنها سر می‌زده است و آنان از خوان گسترده کرامات آن امام همام نیز بهره‌منـد می‌شدند و این امر اساساً به عنوان یک باور و فرهنگ صـحیح در میان مسـلمین مطرح بوده و این موارد بهترین گواه بر واهی بودن تفکرات و باورهـای سـست حزب سیاسـی وهـابیت است. از طرف دیگر، جایگاه اهـل پیامبر (صـلی الله علیه و آله و سـلم) و میزان درخشـندگی این خانـدان پاک را در میان امت اسـلامی به ویژه علمای اهل سـنت آشکار می‌سازد.

پاورقی

[۱] تتمی جـامع الاـصول، ابن اثیر جزری، مکتبی النجـاریی، مکه، عربسـتان، چاپ دوم، ج۲، ص۷۱۵، ۱۴۰۳ق. [۲] مطالب السؤول، محمـد بن طلحه شـافعی، مؤسـسه البلاـغ، بیروت، لبنـان، چاپ اول، ص۲۹۵، ۱۴۱۹ق. [۳] مرآة الجنـان، یـافعی، دارالکتب العلمیی، بیروت لبنـان، چاپ اول، ج۲، ص۱۰، ۱۴۱۷ق. [۴] الفصول المهمی، ابن صـباغ مـالکی، اعلمی، تهران، ایران، ص۲۶۳. [۵] الاتحاف بحب الاشـراف، شبراوی شـافعی، دارالکتـاب قم، ایران، چـاپ اول۱۴۲۳ق. [۶] جـامع کرامـات الاولیاء، نبهانی، ص۳۱۱، دارالفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، ص۳۱۲و۳۱۳، ۱۴۱۴ق. [۷] الانوار القدسیه، سنهوتی شافعی، ص۳۹، انتشارات السعادی، مصر. [۸] سبائک الذهب فی معرفی قبائل العرب، ابو الفوز سؤیدی، المکتبه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ص۳۳۴. [۹] نزهة الجلیس، عباس بن نور الدین مکّی، قاهره، مصـر، ج۲، ص۱۰۵. [۱۰] روضـة الاحبـاب، عطاء الله بن فضل الله شـیرازی، ص۴۳، اسـتامبول، ترکیه؛ مفتاح النجاة فی مناقب آل العبا، محمد خان بن رسـتم بدخشـی، مخطوط، ص۱۷۶، به نقـل از احقاق الحق، ج۱۲، ص۳۶۴؛ تاریخ الاسلام و الرجال، شیخ عثمان سـراج الدین حنفی، ص۳۶۹، مخطوط، به نقـل از احقاق الحق، ج۱۲، ص۳۴۸. [۱۱] روضة الاحباب، ج۴، ص۴۳؛ مفتاح المعارف، مولوی عبد الفتاح حنفی هندی، مخطوط، ص۷۹، به نقل از احقاق الحق، ج۱۲، ص۵۵۳. [۱۲] احقاق الحق، شهاید قاضی نـور الله شوشـتری، ج۱۲، ص۳۴۳، به نقـل از محمـد خواجه پارسـی بخـاری، فصـل الخطـاب. [۱۳] الفصـول المهمی، ص۲۴۵؛ نور الابصـار، دارالکتـب العلمیـه، بیروت، لبنـان، چـاپ اول ۱۴۱۸ق، ص۲۴۳؛ جـامع کرامـات الاولیـاء، ج۲، ص۳۱۱؛ الاتحـاف بحب الاشراف، ص۳۱۴. [۱۴] الفصـول المهمه، ص۲۴۶؛ نور الابصـار، ص۲۴۴؛ جـامع کرامات الاولیاء، ج۲، ص۳۱۲. [۱۵] نورالابصار، ص۲۴۴؛ جامع کرامات الاولیاء، ج۲، ص۳۱۳؛ الاتحاف بحب الاشراف، ص۳۱۵، ۳۱۶. [۱۶] الفصول المهمه، ص۲۴۷؛ نورالابصار، ص۲۴۳؛ الاتحاف بحب الاشـراف، ص۳۱۹. [۱۷] الفصول المهمه، ص۲۴۶، نورالابصار، ص۲۴۳؛ اخبار الـدول و آثار الاول، بغداد، عراق، بی‌تا، ص۱۱۴؛ جـامع کرامات الاولیاء، ج۲، ص۳۱۳، الاتحاف، بحب الاشـراف، ص۳۱۶. [۱۸] نور الابصـار، ص۲۴۳؛ مفتاح النجاة، ص۷۶؛ اخبـار الـدول و آثار الاول، ص۱۱۴؛ الاتحاف، بحب الاشـراف، ص۳۱۸. [۱۹] الصواعق المحرقه، ابن حجر هـایثمی، دارالفکر، بیروت، لبنان، ص۱۲۲؛ الفصول المهمه، ص۲۴۷؛ نورالابصار، ص۲۴۳؛ اخبار الدول و آثار الاول، ص۱۱۴؛ جامع کرامات الاولیاء، ج۲، ص۳۱۱؛ نتایج الافکار القدسـیه، سـید مصطفی بن محمد العروس مصری، دمشق، سوریه، بی‌تا، ج۱، ص۸۰؛ الاتحاف،

بحب الاشراف، ص۳۱۸؛ الانوار القدسیه، ص۳۹. [۲۰] الصواعق المحرقه، ص۱۲۲؛ الفصول المهمه، ص۲۴۶؛ اخبار الدول و آثار الاول، ص۱۱۴؛ مفتاح النجاة، ص۳۷۶؛ وسیلة المال، ابن کثیر حضرمی، مکتبه الظاهریه، دمشق، سوریه، بی تا، ص۲۱۲؛ نورالابصار، ص۲۴۳؛ جامع کرامات الاولیا، ج۲، ص۳۱۱؛ نتایج الافکار القدسیه، ج۱، ص۸۰؛ الاتحاف بحب الاشراف، ص۳۱۶؛ وسیلة النجاة، محمد مبین هندی، الکهنو، هند، بی تا. [۲۱] الفصول المهمه، ص۲۴۵؛ نورالابصار، ص۲۴۳؛ جامع کرامات الاولیاء، ج۲، ص۳۱۲؛ الاتحاف بحب الاشراف، ص۳۱۴. [۲۲] الفصول المهمه، ص۲۵۶؛ مفتاح النجاة، ص۱۷۸. [۲۳] نور الابصار، ص۲۴۴؛ جامع کرامات الاولیاء، ج۲، ص۳۱۲؛ مطالب السؤول، ص۲۹۷؛ الفصول المهمه، ص۲۴۴ ۲۴۵؛ اخبار الدول و آثار الاول، ص۱۱۴؛ الاتحاف، بحب الاشراف، ص۳۱۳. [۲۴] الفرج بعد الشده، قاضی ابو علی تنوخی، دار الصباعی المحمدیی قاهره، مصر، چاپ اول ۱۳۷۵ق، ج۴، ۱۷۲۱۷۳؛ مطالب السؤول، ص۲۹۷. [۲۵] مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ج۴، ص۸۶. [۲۶] الفرج بعد الشده، ج۴، ص۱۷۲. [۲۷] الصواعق المحرقه، ص۲۰۵. [۲۸] الفرج بعد الشده، ج۴، ص۱۷۳. [۲۹] الفصول المهمه، ص۲۶۱؛ نورالابصار، ص۲۴۴؛ مطالب السؤول، ص۳۰۰؛ الکواکب الدریه، شیخ عبد الرؤوف مناوی، الازهریی، مصر، بی تا، ج۱، ص۲۵۶؛ مفتاح النجاة، ص۸۲؛ الانوار القدسیه، ص۳۹. [۳۰] سیر اعلام النبلاء، موسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ یازدهم ۱۴۱۷ق، ج۹، ۳۹۳. [۳۱] العبر، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ج۱، ص۲۶۶. [۳۲] تاریخ الاسلام، حوادث، ۲۰۱ تا ۲۱۰، دارالکتاب العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول ۱۴۲۰ق، ص۲۷۲. [۳۳] شذارت الذهب، دار بن کثیر، دمشق، بیروت، چاپ اول ۱۴۰۶ق، ج۳، ص۱۴. [۳۴] تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دارالفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ج۷، ۳۳۹. [۳۵] سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، ج۱۴، ص۳۶۵و۳۷۷. [۳۶] سیر اعلام النبلاء، ج۱۵، ص۲۸۰۲۸۲. [۳۷] کتاب الثقات، ابن حبان بستی، دارالفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۳۹۳ق، ج۸، ص۴۷۵. [۳۸] سیر اعلام النبلاء، ج۱۶، ص۹۲؛ النجوم الزاهره، ابن تغری، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج۳، ص۳۴۲؛ الوافی بالوفیات، صفدی، جمعی از مستشرقین، بی تا، ۱۴۱۱ق، ج۲، ص۳۱۷؛ الطبقات الشافعیه، سبکی، دار احیاء الکتب العربیهٔ، بیروت، لبنان، بی تا، ج۳، ص۱۳۱؛ الانساب، سمعانی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج۲، ص۲۰۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد

بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹